



حداقل تعارف تا تعلق کجاست؟

خواهش می‌کنم، جان من، مرگ من، اصلا نمی‌شود، مگر می‌گذارم، قابل شما را ندارد، مگر می‌شود و... این عبارات و جمله‌ها برای من و شما و بقیه کسانی که در این جامعه بزرگ شده‌اند و زندگی می‌کنند...

خواهش می‌کنم، جان من، مرگ من، اصلا نمی‌شود، مگر می‌گذارم، قابل شما را ندارد، مگر می‌شود و... این عبارات و جمله‌ها برای من و شما و بقیه کسانی که در این جامعه بزرگ شده‌اند و زندگی می‌کنند، خیلی عادی و طبیعی است؛ همه می‌دانیم این حرف‌ها چه معنای داده‌ها، اما به دیگمان منتقا کند. البته بگذریم از افرادی که با وجود میل باطنی شان چنین جمله‌هایی را می‌گویند و رفتار و گفتارشان با هم یکی نیست. به غیر از این گروه، معمولا کسانی که این عبارات را بیان می‌کنند، منظوری ندارند غیر از نشان دادن حس احترام و محبت نسبت به طرف مقابل.

ایرانی‌ها منحصر به فردند

اگر کالایی را بخرید و فروشنده بدون تعارف، قیمت آن را به شما بگوید، چه حسی خواهید داشت؟! البته درست است که همیشه در پایان کار فروشنده قیمت را می‌گوید و ما هم مبلغ مورد نظر را می‌پردازیم، اما انگار عادت کرده ایم و شاید هم دوست داریم حتما از زبان او بشنویم که «قابلی ندارد» یا وقتی می‌خواهیم وارد ساختمانی شویم و همزمان چند نفر دیگر هم از راه می‌رسند، حتما احساس می‌کنیم باید تعارف کنیم اول آنها وارد شوند. این همه تعارف که از نظر ما عادی و حتی ضروری است، برای مردم جوامع دیگر بی معنا و غیرمنطقی به حساب می‌آید و آنها اصلا نمی‌توانند منظور و مفهوم حرف‌های ما را درک کنند. دکتر علیرضا شریفی یزدی نیز معتقد است ایرانی‌ها از نظر تعارف کردن در سطح دنیا منحصر به فرد هستند و البته به گفته وی در کشورهای دیگری مانند افغانستان، ترکمنستان و... که از نظر فرهنگی به ما نزدیک هستند نیز رفتارهای مشابهی مشاهده می‌شود، ولی در دیگر نقاط دنیا چنین چیزی وجود ندارد.

تعارف می‌کنیم تا احترام بگذاریم

صبح زود است و می‌خواهد برود سر کار؛ دیرش هم شده و حسابی عجله دارد. همان طور که کلید را در قفل در می‌چرخاند، همسایه اش را می‌بیند که از خانه بیرون آمده و دارد از جلوی او رد می‌شود. می‌داند دیرش شده، اما بعد از سلام و احوالپرسی می‌گوید: «تشریف بیاورید، در خدمت باشیم.» هم خودش می‌داند این «تشریف بیاورید» تعارف است و هم همسایه، اما هیچ کدام ناراحت نمی‌شوند و این حرف را به حساب دروغ و دروغگویی نمی‌گذارند، چون با تعارف و مفهوم آن آشنا هستند. دکتر شریفی یزدی نیز در گفت‌وگو با جام جم در این باره توضیح می‌دهد: در جامعه و فرهنگ ما، احترام زیادی که افراد برای مهمانشان قائل می‌شوند یا محبتی که نسبت به دیگران دارند، معمولا به صورت تعارف کردن نشان داده می‌شود؛ به این معنی که وقتی تعارف می‌کنیم فقط می‌خواهیم محبت و احترام خود را نسبت به طرف مقابل نشان دهیم.

البته بسیاری از خاورشناسان تعارف را به عنوان یک دروغ بزرگ به حساب می‌آورند و چنین طرز فکری نسبت به آن دارند، در حالی که هیچ یک از ما واقعا نمی‌خواهیم با این حرف‌ها به دیگران دروغی بگوییم؛ بلکه تعارف فقط نوعی ابزار برای انتقال محبت و نشان دادن احترام نسبت به دیگران است. در کنار اینها، آداب معاشرت هم موضوع دیگری است که باید آن را هم در نظر داشت. البته آداب معاشرت میان همه اقوام و در فرهنگ‌های مختلف وجود دارد، ولی الگوهای آداب معاشرت است که چه در گفتار و چه در رفتار، در فرهنگ‌های مختلف با یکدیگر تفاوت پیدا می‌کند. با این حال، هسته مرکزی و هدف اصلی آداب معاشرت در تمام کشورها و جوامع، احترام گذاشتن به دیگران و رعایت حقوق آنهاست. تعارف‌های ما هم به گفته این جامعه‌شناس برای انتقال احترام و نشان دادن محبت است، طوری که بسیاری از ما نمی‌توانیم رفتار خشک و بی‌روح غربی‌ها را بپذیریم و حتی گاهی چنین رفتارهایی را بی‌ادبی و بی‌احترامی به حساب می‌آوریم.

تعارف؛ زبانی که فقط ایرانی‌ها آن را می‌فهمند

تقریبا همه ما ایرانی‌ها تعارف می‌کنیم و کسی نیست که بگوید اصلا اهل تعارف کردن نیست؛ بعضی‌ها کمتر و بعضی‌ها هم بیشتر، اما تعارف عادت است که میان همه ایرانی‌ها مشاهده می‌شود.

به گفته دکتر شریفی یزدی، بخشی از این مسائل به مبانی تربیتی ما مربوط می‌شود؛ به این معنی که در کشور ما خیلی روی صراحت‌گرایی کار نشده و بیشتر به این موضوع پرداخته ایم که احترام دیگران را حفظ کنیم و گاهی هم این احترام گذاشتن به دیگران با کتمان حقیقت نمایان می‌شود.

از طرف دیگر، اگر دقت کنید متوجه می‌شوید افرادی که از کشورهای دیگر به ایران می‌آیند، معمولا مفهوم تعارفات را درک نمی‌کنند و نمی‌توانند منظور طرف مقابل را بفهمند. آن طور که این جامعه‌شناس می‌گوید: تعارف کردن نوعی زبان است که فقط اشخاصی که در فرهنگ ایرانی زندگی کرده و اینجا بزرگ شده باشند، می‌توانند آن را به درستی درک کنند و برای افرادی که در دیگر فرهنگ‌ها بزرگ شده‌اند، غریبه است.

شرایط تاریخی و زبانی ما هم در ایجاد این وضع نقش داشته به طوری که به گفته وی، بخشی از این تعارف‌ها به کنایه‌ها،

استعاره‌ها، تشبیهات و... ارتباط پیدا می‌کند که ادبیات فارسی را از حالت مستقیم به حالتی رمزآلود و کنایه آمیز تبدیل کرده است. بنابراین بخشی از این تعارف‌ها به این شیوه وارد زبان افراد جامعه شده و در گفت و گوی روزمره شان راه پیدا کرده است. علاوه بر این، شعری که در دربار حضور داشتند و در شعرهای شان اغراق می‌کردند هم در ایجاد این حالت موثر بوده اند.

تعارف به خودی خود بد نیست

«یادش به خیر؛ هر سال عید نوروز که از راه می‌رسید، وقتی می‌رفتیم خانه خاله بزرگم باید از همه خوراکی‌هایی که روی میز چیده شده بود، می‌خوردیم و اگر یکی از آنها را هم رد می‌کردیم، خاله خانم فکر می‌کرد به او بی‌احترامی کرده ایم و از ما دلخور می‌شد؛ البته همیشه هم بعد از خوردن چند نوع میوه، شیرینی، شکلات، آجیل، گز، پشمک و... مهمان‌ها دل‌درد می‌گرفتند و خاله خانم با نبات و عرق نعنا از آنها پذیرایی می‌کرد. این برنامه بقدری عادی شده بود که همیشه آخرین بخش پذیرایی نوروزی در خانه خاله خانم، نبات و عرق نعنا بود و همه فامیل هم این موضوع را می‌دانستند.»

کسانی مثل این خاله خانم کم نیستند، کسانی که این قدر تعارف می‌کنند که مهمان‌ها به دردمس می‌افتند. از طرف دیگر اما بعضی از افراد می‌گویند تعارف کردن کار خوبی نیست و باید این روش را تغییر داد. آنها می‌خواهند راحت‌تر باشند و تصور می‌کنند با الگوبرداری از شیوه غربی می‌توانند به این هدف دست یابند. در حالی که تعارف کردن با ذات ما ایرانی‌ها پیوند خورده و بخشی از فرهنگ ما به حساب می‌آید. بنابراین نه تنها نمی‌توان این روش را تغییر داد که حتی اگر چنین امکانی وجود داشته باشد هم نباید به فکر تغییر آن باشیم.

البته شاید برخی از رفتارهای همراه با تعارف در ظاهر غیرمنطقی به نظر برسد، ولی در صورتی که با اغراق آلوده نشده باشد، پیام‌هایی را انتقال می‌دهد که برای شخصی که با این زبان آشناست، می‌تواند جزو زیبایی‌ها و ممیزهای فرهنگ ایرانی به حساب بیاید.

بنابراین به گفته دکتر شریفی یزدی، تعارف در حد متعارف خوب است و زمانی که با اغراق درهم می‌آمیزد، ممکن است مشکل ساز شود.

بعضی‌ها هم هستند که تفاوتی میان تعارف، تملق، اغراق و چاپلوسی قائل نمی‌شوند، اما این جامعه شناس تاکید می‌کند، این موضوعات با یکدیگر تفاوت داشته و میانشان فاصله زیادی وجود دارد. بنابراین نباید فراموش کنیم ویژگی و هدف اصلی تعارف کردن، احترام گذاشتن به دیگران و مودب رفتار کردن است که این موضوع را در تمام فرهنگ‌ها هم می‌بینیم؛ حتی در کشورهای غربی نیز خانم‌ها قبل از آقایان وارد ساختمان می‌شوند که نشانه احترام گذاشتن به خانم‌هاست. بنابراین هسته و هدف اصلی در این موضوع حفظ احترام طرف مقابل است و با بحث تملق و اغراق - با این که در ظاهر کمی شبیه هم به نظر می‌رسد - کاملاً تفاوت دارد.

این جامعه شناس با اشاره به این که ممکن است نسل جدید به بهانه کنار گذاشتن تملق و دورویی، تعارفات متعارف و اصیل ایرانی را هم نادیده بگیرد، خاطرنشان می‌سازد: ترجمه‌ای که از رفتار و گفتار فرد می‌توان کرد، بسیار حائز اهمیت است؛ بنابراین کسی که در فرهنگ ایرانی بزرگ شده، بخوبی می‌تواند تشخیص دهد چه مواقعی این حرف‌ها تعارف است و چه زمانی اغراق یا تملق. فقط باید ایرانی باشید و در این فرهنگ زندگی کرده باشید تا حد و اندازه این موضوعات را تشخیص دهید و متوجه هریک از آنها بشوید.

دکتر شریفی یزدی یادآور می‌شود: تعارف اگر در حد متعارف و معمول جامعه باشد، نوعی ابزار برای برقراری ارتباطات اجتماعی و مهارتی برای تعامل داشتن با دیگران است. بنابراین اگر تعارفات در حد متعادل باشد نه تنها مشکلی ندارد که بسیار هم خوب است، اما زمانی که این تعارف با اغراق یا تملق به هم می‌آمیزد یا گاهی به تمسخر تبدیل می‌شود، می‌تواند مانع برقراری ارتباط میان دو نفر باشد.

پس فراموش نکنیم تعارف متعارف در حد معمول زمینه ساز ارتباط مناسب در روابط اجتماعی است، اما تملق، اغراق و تکلف با تعارف تفاوت دارد و مانع برقراری ارتباط سالم و مناسب میان افراد می‌شود.

از آن طرف بام نیفتید

وقتی می‌گویند تعارف بیش از حد خوب نیست، بعضی‌ها تصمیم می‌گیرند هیچ وقت با کسی تعارف نکنند؛ برای همین هم وقتی مهمانی به خانه شان می‌رود، خیلی راحت به او می‌گویند شام نداریم، اگر می‌خواهی خودت برو چیزی آماده کن! یا وقتی قرار است سوار تاکسی شوند، به جای تعارف کردن به بقیه، جلوتر از همه می‌روند و سوار ماشین می‌شوند و کاری ندارند چه کسی زودتر آمده و چه کسی دیرتر از بقیه رسیده است، از همه اینها بدتر شرایطی است که به هر دلیلی افراد احساس می‌کنند، ممکن است به خواسته شان نرسند و آن وقت است که تعارف که هیچ، دیگر حقوق و احترام دیگران را هم در نظر نمی‌گیرند. شما هم حتماً چنین صحنه‌هایی را دیده‌اید؛ وقتی که مسافران مترو به طرف صندلی خالی هجوم می‌برند یا دیگران را هل می‌دهند تا بتوانند خودشان را به زور داخل مترو جا دهند یا کسانی که بدون صف می‌آیند و سوار تاکسی و اتوبوس می‌شوند و هیچ توجهی به دیگران که در صف ایستاده‌اند، ندارند. این اتفاقات هم کم نیست و اگر کمی دقت کنید، نمونه‌هایی از آن را در گوشه و کنار شهرتان خواهید دید. اما اینجا سوالی مطرح می‌شود: این افراد همان‌هایی هستند که وقتی همه چیز خوب و آرام است، این قدر به هم تعارف می‌کنند و حاضرند جان و مالشان را - البته در حد حرف - برای یکدیگر فدا کنند؟ اگر اینها همان تعارفی‌ها هستند، چه اتفاقی می‌افتد که گاهی روش خود را تغییر می‌دهند و تصمیم می‌گیرند طور دیگری رفتار

کنند.

در این مورد هم درست مانند مسائل دیگر اگر تعادل داشته باشیم و بتوانیم متعادل رفتار کنیم، همه مشکلات حل می شود. اینجا هم نه تعارف بیش از حد خوب است و نه رفتارهایی که گفته شد. در میان این دو هم مسلماً روش هایی هست که بتوان از آنها کمک گرفت و با اجرا کردن آنها به نتیجه بهتری رسید. بی شک با رعایت این مسائل می توان چنین مشکلاتی را هم به حداقل رساند.

نیلوفر اسعدی بیگی / جام جم